

لیندسی گراهام، سناتور تندرو و آمریکایی که نقش ویژه‌ای در سیاست‌های جنگ‌طلبانه ترامپ علیه ایران داشت بر اثر آنچه بیماری ناگهانی عنوان شد، به هلاکت رسید

مرگ دلال مرگ



گروه بین‌الملل: تنها ۴ ماه پس از اظهارنظر تند و جنجالی لیندسی گراهام علیه کشورمان که در آن مدعی شد آمریکا، ایران را با خاک یکسان خواهد کرد، حالا سناتور جمهوری‌خواه ایالت کارولینای جنوبی خود زیر خاک خواهد رفت! گراهام که از سرسخت‌ترین حامیان

تشدید فشار، تحریم و حتی اقدام نظامی علیه ایران به شمار می‌رفت، طی سال‌های گذشته بارها با مواضع تند خود علیه جمهوری اسلامی خبرساز شده بود تا جایی که نام او برای بسیاری از ناظران، با سیاست‌های جنگ‌طلبانه آمریکا در قبال ایران و دیگر کشورهای منطقه از جمله فلسطین گره خورده بود و حالا زندگی این یانکی جنگ‌طلب به آخر رسید! به گزارش «وطن امروز»، روز یکشنبه رسانه‌های آمریکایی از جمله شبکه سی‌ان‌ان در گزارشی فوری اعلام کردند لیندسی گراهام، سناتور جمهوری‌خواه ایالت کارولینای جنوبی در ۷۱ سالگی مرده خبری که به نوشته برخی رسانه‌های آمریکا، بسیاری از محافل سیاسی را غافلگیر کرد. دفتر گراهام نیز با انتشار بیانیه‌ای اعلام کرد او شامگاه شنبه به وقت واشنگتن، پس از یک دوره کوتاه و ناگهانی بیماری درگذشت. مدیر ارتباطات دفتر این سناتور جمهوری‌خواه نیز بامداد یکشنبه این خبر را در شبکه اجتماعی ایکس تأیید کرد. وی از چهره‌های شناخته‌شده و بانفوذ حزب جمهوری‌خواه در سنای آمریکا بود. گراهام اگرچه در سال‌های ابتدای ظهور دونالد ترامپ از منتقدان سرسخت رئیس‌جمهور کنونی آمریکا محسوب می‌شد اما در سال‌های بعد به یکی از نزدیک‌ترین و وفادارترین متحدان وی در کنگره تبدیل شد و نقش مهمی در حمایت از سیاست‌های ترامپ ایفا کرد. اهمیت جایگاه گراهام در حلقه نزدیکان ترامپ باعث شد رئیس‌جمهور آمریکا نیز در نخستین واکنش به مرگ او، پیامی از سر نگرانی منتشر کند. ترامپ در این پیام نوشت: «یکی از بزرگ‌ترین افراد و سناتورهایی را که تاکنون شناختم‌ام از دست دادم و جای خالی لیندسی بسیار احساس خواهد شد». لیندسی گراهام سال ۱۹۵۵ در شهر «سنترال» ایالت کارولینای جنوبی متولد شد. او در دوران جوانی، زمانی که نخستین عضو خانواده‌اش بود، وارد دانشگاه شد و آن زمان والدین خود را از دست داد. گراهام در رشته روان‌شناسی تحصیل کرد و سپس دکترای حقوق گرفت. او سابقه فعالیت در نیروی هوایی آمریکا را نیز در کارنامه خود داشت و حتی در دوران سناتوری، سال ۲۰۱۵، به‌عنوان سرهنگ ذخیره نیروی هوایی، در تعطیلات کنگره برای انجام مأموریت‌هایی به افغانستان و عراق اعزام شد. گراهام مرکز ازدواج نکرد و فرزندی نداشت، او از سال ۲۰۰۳ تاکنون ۴ دوره نمایندگی ایالت کارولینای جنوبی را در مجلس سنای آمریکا بر عهده داشت و در کمیته‌های مهمی از جمله کمیته قضایی و کمیته روابط خارجی عضو یا ریاست آنها را بر عهده گرفته بود. با این حال بیش از آنکه به‌عنوان سناتور یا کارآمد برای ایالت خود شناخته شود، به دلیل مواضع سختگیرانه و حمایت مستمر از مداخلات نظامی آمریکا، در رسانه‌ها به‌عنوان یکی از چهره‌های شاخص جریان جنگ‌طلب جمهوری‌خواه شناخته می‌شد. گراهام همچنین آخرین عضو از مثلث «۳ رفیق» (Three Amigos) در سنای آمریکا بود که به درک واصل شد. این گروه متشکل از لیندسی گراهام، جان مک‌کین و جو لیب‌رم

■ یک مرگ مهم
 اهمیت مرگ لیندسی گراهام را نمی‌توان صرفاً در هلاکت یک سناتور باسابقه جمهوری‌خواه خلاصه کرد. بسیاری از تحلیلگران آمریکایی معتقدند او طی سال‌های اخیر به یکی از تأثیرگذارترین افراد در حلقه نزدیکان ترامپ تبدیل شده‌بودونقش قابل توجهی در شکل‌گیری دیدگاه‌های رئیس‌جمهور آمریکا بویژه در حوزه سیاست خارجی جنگ‌طلبانه ایفا می‌کرد. در همین زمینه یکی از کارشناسان مسائل آمریکا با اشاره به جایگاه گراهام در ساختار تصمیم‌سازی کاخ سفید، نوشت سال‌هاست در واشنگتن جملهای مشهور درباره شیوه تصمیم‌گیری رئیس‌جمهور آمریکا تکرار می‌شود: «مهم است آخرین نفری که با ترامپ حرف می‌زند، چه کسی باشد». به گفته این کارشناس، خبرنگاران کاخ سفید بارها روایت کرده‌اند مشاوران ترامپ همواره تلاش می‌کردند آخرین فردی باشند که پیش از اتخاذ یک تصمیم مهم وارد دفتر بی‌بی می‌شوند، زیرا معتقد بودند نظر رئیس‌جمهور ممکن است در همان گفت‌وگوی آخر تغییر کند. به اعتقاد کارشناسان مسائل آمریکا، لیندسی گراهام در ماه‌های اخیر دقیقاً یکی از همین افراد بود. او بارها به‌صورت خصوصی با ترامپ دیدار می‌کرد، در برخی سفرها با هواپیمای شخصی رئیس‌جمهور آمریکا همراه می‌شد و ارتباط نزدیکی با او داشت. نیوت گینگریچ، رئیس اسبق مجلس نمایندگان آمریکا نیز گفت گراهام و ترامپ انقدر با یکدیگر گلف بازی کرده بودند که تعداد این دیدارها شاید به ۱۰۰ بار می‌رسید؛ موضوعی که از روابط نزدیک و دست‌رسی ویژه سناتور جمهوری‌خواه به رئیس‌جمهور آمریکا حکایت داشت. خود ترامپ نیز در سال‌های اخیر بارها از گراهام به‌عنوان یکی از نزدیک‌ترین متحدانش یاد کرده بود. وی در یکی از اظهارات خود گفته بود: «لیندسی یک میهن‌پرست واقعی است و او را بسیار دوست دارم».

■ تکلیف کرسی خالی گراهام در کنگره
 در کنار پیامدهای سیاسی مرگ ناگهانی گراهام، اکنون یکی از پرسش‌های مهم در فضای سیاسی آمریکا،نحوه‌تعیین جانشین اودر مجلس سناست. بر اساس قوانین ایالت کارولینای جنوبی، در صورتی که کرسی سناتوری این ایالت به دلیل مرگ، استعفا یا هر علت دیگری خالی شود، فرماندار می‌تواند فردی را به‌طور موقت برای تصدی این کرسی منصوب کند. مطابق این قانون، فرد منصوب‌شده تا سوم ژانویه پس از نخستین انتخابات عمومی، مسؤولیت سناتوری را بر عهده خواهد داشت. در حال حاضر نیز ۱۱۴ روز تا برگزاری انتخابات عمومی باقی مانده است. با این حال اگر کرسی سنای ایالت کمتر از ۱۰۰ روز پیش از انتخابات عمومی خالی شود، انتصاب فرماندار تا سوم ژانویه پس از دومین انتخابات عمومی بعدی اعتبار خواهد داشت. قانون همچنین فرماندار را موظف می‌کند حداکثر ظرف ۵ روز پس از انجام این انتصاب، دستور برگزاری انتخاباتی را صادر کند که همزمان با انتخابات عمومی برگزار خواهد شد؛ البته مشروط به اینکه پس از پایان دوره انتصاب موقت، همچنان بخشی از دوره قانونی این کرسی باقی مانده باشد.

■ سناتور حزب باد!
 اگرچه گراهام در سال‌های پایانی فعالیت سیاسی خود به یکی از نزدیک‌ترین متحدان ترامپ تبدیل شده بود اما کارنامه سیاسی او نشان می‌دهد همواره به تغییر مواضع شهرت داشت؛ موضوعی که بارها با انتقاد هم‌حزب‌هایش نیز روبه‌رو شد. گراهام در مقاطع مختلف، بویژه در موضوعاتی مانند مهاجرت، تأیید برخی نامزدهای قضایی و شماری از طرح‌های قانون‌گذاری را دموکرات‌ها همکاری کرده بود؛ رویکردی که باعث شده بود برخی جمهوری‌خواهان هم‌حزب او، گراهام را سیاستمداری فاقد ثبات توصیف کنند. نمونه بارز این تغییر مواضع را می‌توان در رابطه

گراهام با ترامپ مشاهده کرد. گراهام در جریان رقابت‌های مقدماتی حزب جمهوری‌خواه در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۶، یکی از سرسخت‌ترین منتقدان ترامپ بود و حتی خود نیز برای کسب نامزدی حزب جمهوری‌خواه وارد رقابت شده بود. او در آن مقطع درباره ترامپ گفته بود: «اگر ترامپ را نامزد کنیم، نابود خواهیم شد و حق ما هم همین خواهد بود». ترامپ نیز در پاسخ، گراهام را احسق و ناچیز خطاب کرده و اختلاف میان ۲ سیاستمدار به یکی از پرحاشیه‌ترین منازعات درون‌حزبی جمهوری‌خواهان تبدیل شده بود. بااین حال پس از پیروزی ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۶، گراهام مواضع خود را تغییر داد و به یکی از نزدیک‌ترین متحدان رئیس‌جمهور آمریکا در کنگره تبدیل شده؛ تغییری که بسیاری از تحلیلگران آن را یکی از مهم‌ترین چرخش‌های سیاسی کارنامه او توصیف کردند.

■ مواضع ضدبشری
 جنگ‌طلبی و حمایت گراهام از استفاده از قدرت نظامی، یکی از ویژگی‌های ثابت کارنامه سیاسی او بوده؛ موضوعی که در پرونده‌های مختلف سیاست خارجی آمریکا، از غرب آسیا گرفته تا اوکراین، بارها خود را نشان داد. او در سال‌های گذشته همواره بر ضرورت برخورد سخت با مخالفان آمریکا و رژیم صهیونیستی تأکید می‌کرد و از سیاست‌هایی حمایت می‌کرد که از نگاه منتقدان، زمینه‌ساز گسترش درگیری‌های نظامی در مناطق مختلف جهان بود. مواضع گراهام درباره جنگ غزه نیز با واکنش‌های گسترده‌ای در جهان عرب و فعالان حقوق بشر روبه‌رو شد. در همین ارتباط دکتر «حمود التوفی» نویسنده مشهور عرب، پس از انتشار خبر مرگ گراهام نوشت: «امروز به کودکان، زنان و مردم غزه و همه آزادگان ضدصهیونیست در جهان عرب تبریک می‌گوییم. مرگ سناتور آمریکایی صهیونیست، لیندسی گراهام که یکی از سرسخت‌ترین حامیان جنگ غزه بود، نشان می‌دهد مرگ ناگهانی، عدالت خداوند در حق ستمگران است! این واکنش بی‌ارتباط با مواضع گراهام در قبال مردم غزه نبود. او از نخستین روزهای آغاز جنگ غزه، بارها از ادامه عملیات نظامی رژیم حمایت کرد؛ با هر گونه توقف جنگ مخالفت ورزید و خواستار ارسال بدون قید و شرط سلاح و کمک‌های نظامی بیشتر به تل‌آویو شد. گراهام ماه مه ۲۰۲۴ در اوج جنگ غزه، با اشاره به بمباران اتمی هیروشیما و ناگازاکی در جنگ دوم جهانی، استفاده آمریکا از بمب اتم علیه ژاپن را اقدامی درست توصیف کرد و از واشنگتن خواست همه بمب‌های مورد نیاز رژیم صهیونیستی را در اختیار رژیم قرار دهد. او خطاب به مقام‌های اسرائیل گفته بود: «برای حفظ موجودیت خود هر کاری که لازم‌است انجام دهید». این اظهارات با واکنش‌های گسترده بین‌المللی روبه‌رو شد و از سوی بسیاری از گروه‌های حقوق بشری و فعالان ضدجنگ، به‌عنوان حمایت از مجازات جمعی و کشتار غیرنظامیان محکوم شد. گراهام همچنین بارها خواستار ادامه ارسال تسلیحات سنگین به رژیم صهیونیستی شد و عملیات نظامی در غزه را با بمباران گسترده برلین و توکیو در جریان جنگ دوم جهانی دوم مقایسه کرد.

■ لیندسی گراهام به‌عنوان یکی از سرسخت‌ترین حامیان رژیم در کنگره آمریکا شناخته می‌شد؛ موضوعی که در واکنش مقام‌های صهیونیست به خبر مرگ او نیز به خوبی نمایان است. روزنامه تایمز اسرائیل در گزارش خوددرباره مرگ گراهام

نوشت: یکی از بزرگ‌ترین دوستان اسرائیل در جهان درگذشت. این توصیف دور از واقعیت روابط نزدیک او با تل‌آویو نیست، چراکه گراهام بارها اعلام کرده بود تا آخرین لحظه عمرش از اسرائیل حمایت خواهد کرد. گراهام همچنین روابط شخصی نزدیکی بانخست‌وزیر صهیونیست‌ها داشت و همواره معتقد بود آمریکا باید هر آنچه رژیم صهیونیستی برای ادامه جنگ و حفظ برتری نظامی خود نیل‌از دارد، بدون هیچ شرطی در اختیار تل‌آویو قرار دهد. شدت این حمایت‌ها به اندازه‌ای بود که تنها ساعتی پس از انتشار خبر مرگ گراهام، بنیامین نتانیاهو در گفت‌وگو با شبکه فاکس‌نیوز، گراهام را «دوست بزرگ اسرائیل و دوست بزرگ خود» توصیف کرد. سناتور جمهوری‌خواه همچنین نقش مستقیمی در تصویب بودجه‌های اضطراری برای تقویت سامانه دفاع موشکی «گنبد آهنین» داشت و با هماهنگی آژیک (کمیته روابط عمومی آمریکا و اسرائیل)، از تصویب قوانین مختلف برای مقابله با جنبش تحریم رژیم صهیونی (BDS) حمایت می‌کرد. اسحاق هرتزوغ، رئیس رژیم صهیونیستی نیز با ابراز شوک و اندوه از مرگ گراهام، او را «دوست بزرگ اسرائیل» خواند و گفت گراهام رهبر واقعی شراکت آمریکا و اسرائیل بود و اسرائیلی‌ها حمایت او در دشوارترین مقاطع را فراموش نخواهند کرد. گیدون سער،وزیر خارجه رژیم‌صهیونیستی هم گراهام را یکی از تأثیرگذارترین سناتورهای آمریکا و یکی از بزرگ‌ترین دوستان اسرائیل در آمریکا و دنیا توصیف کرد و گفت تل‌آویو یکی از مهم‌ترین و دیرینه‌ترین حامیان خود را از دست داد.

■ حامی نابودی ایران
 در کنار حمایت گسترده از رژیم صهیونیستی، گراهام یکی از تندروترین چهره‌های سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران نیز به شمار می‌رفت. او طی سال‌های گذشته همواره از تشدید تحریم‌ها، افزایش فشارهای سیاسی و اقتصادی و اقدام نظامی علیه جمهوری اسلامی حمایت می‌کرد. گراهام بارها از گزینۀ تهاجم نظامی به ایران دفاع کرده و خواستار هدف قرار دادن زیرساخت‌های انرژی و تأسیسات نفتی ایران شده بود. گزارش‌ها نشان می‌دهد او طی سال‌های اخیر دست‌کم ۱۴ بار خواستار حمله آمریکا با رژیم صهیونیستی به تأسیسات انرژی و نفتی ایران شده بود. او همچنین از حامیان تشدید تحریم‌ها، حمله به برنامه هسته‌ای ایران و تغییر حکومت ایران به شمار می‌رفت و از معدود سیاستمداران آمریکایی بود که به‌طور مستمر هم‌لی را به اتخاذ رویکردی سرسختانه‌تر در قبال تهران تشویق می‌کرد. فعالیت‌های ضابطرانی گراهام در یک سال گذشته شدت هم یافت. بهمن ۱۴۰۴ از تجمعی از مخالفان جمهوری اسلامی در مونیخ، او در کنار ربع پهلوی حضور یافت و مدعی شد جمهوری اسلامی بزودی سقوط خواهد کرد. گراهام در همان مراسم با بر سر گذاشتن کلاه‌ی با شعار (MIGA) Make Iran Great Again حمایت خود را از پهلوی و افزایش فشارها علیه جمهوری اسلامی اعلام کرد.

او همچنین در جریان جنگ اخیر آمریکا علیه ایران، ابراز امیدواری کرده بود حکومت جمهوری اسلامی پایان یابد؛ آرزویی که محقق نشد. با این حال اگرچه مرگ گراهام، پایان زندگی یکی از بانفوذترین سناتورهای جنگ طلب آمریکاست؛ اما باید توجه داشت که مرگ گراهام به‌تنهایی به معنای تغییر سیاست خارجی جنگ طلبانه واشنگتن نیست. برخی از ناظران هم معتقدند حذف یکی از اثرگذارترین صداهای جنگ‌طلب از حلقه نزدیکان دونالد ترامپ، می‌تواند در آینده بر برخی معادلات سیاسی و تصمیم‌گیری‌های کاخ سفید تأثیرگذار باشد.

ناروا از سوی یک لابی قدرتمند صورت‌بندی کنند». متن تصریح می‌کند برای پایان دوران استثنائگرایی رژیم صهیونی در سیاست خارجی آمریکا راه درازی باقی مانده و نباید چندان سریع امید داشت اما شواهد نشان می‌دهد «به نتایج چند دوره دیگر انتخابات‌ها می‌توان امیدوار بود: ممکن است آمریکا وارد مسیری مرحله‌به‌مرحله وارد شود؛ نخست افزایش سهمی را بر فلسطینیان و سپس تشدید خصومت با اسرائیلی که همواره در حال جنگ است. این روند می‌تواند به پایان استثنائگرایی اسرائیل در سیاست آمریکا و در نهایت به رسمیت شناختن کامل حقوق فلسطینیان بینجامد. تحقق چنین تغییری شاید به چندین دوره انتخاباتی نیاز داشته باشد اما برای نتانیاهو، یا هر کسی که پس از او بر سر کار بیاید، دوباره مرتبط نخواهد بود. نتانیاهو که در پرونده ایران با مانع روبه‌رو شده اما اجازه یافته ستادوردهای ارضی خود در لبنان و شرق را حفظ کند، احتمالاً برای تصرف کامل غزه جنگ را از سر خواهد گرفت. او ناچار است چنین کند، اگر بخواهد راست افراطی را هم در کابینه و به کارزار انتخاباتی خود نگه دارد اما در سرگیری کشتار در غزه، احساس انزجار از اسرائیل را در هر دو سوی طیف سیاسی آمریکا تشدید خواهد کرد».

بی‌اهمیت در آمریکا، به مرکز آورده است: «افکار عمومی آمریکا واقعا تغییر کرده است. یکی از مهم‌ترین تحولات در ایالات متحده این بوده که مساله فلسطین از حاشیه سیاست به متن جریان اصلی منتقل شده است. موضوعی که زمانی دغدغه‌ای محدود به بخش‌هایی از چپ تلقی می‌شد یا به مسائل اسلام‌گرایی فرو کاسته می‌شد، اکنون به فاصله‌های بسیار طیف سیاسی را در بر می‌گیرد. حتی بخش‌هایی از جناح راست آمریکا نیز اسرائیل را به جای یک دارایی راهبردی، باری بر دوش کشور می‌بینند. برای برخی محافظه‌کاران، عملکرد اسرائیل در غزه، یعنی کشتار گسترده غیرنظامیان، از جمله کودکان و بی‌اعتنایی آشکار آن به حقوق بین‌الملل، سازگار کردن حمایت بی‌قیدوشرط از اسرائیل را با تصویری که برخی، فاصله گرفتن از اسرائیل به راهی برای تلاش جهت احیای مشروعیت پروژه آمریکایی بدل شده است. با این حال، راه یافتن مساله فلسطین به جریان اصلی، مرزهای تازه‌ای نیز به همراه آورده است. دامنه بحث گسترده‌تر شده اما همچنین در محافل محافظه‌کار، نوحافظه‌کار و مترقی به‌شدت کنترل می‌شود. بحث درباره نفوذ آژیک روزه‌روز پذیرفتنی‌تر شده است، زیرا این چارچوب به آمریکایی‌ها اجازه می‌دهد مساله را به صورت اعمال نفوذ

نگاهی به نشانه‌های تغییر نگرش افکار عمومی آمریکا نسبت به رژیم صهیونیستی

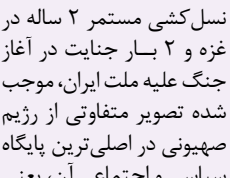
رشد نفرت از اسرائیل

ناسیاسی رژیم صهیونیستی از ارباب خودش، جنگ علیه ایران و نسل‌کشی در غزه، وضعیت سیاسی کملاً متفاوتی برای رژیم در آمریکا رقم زده است: «هر چه در درون اسرائیل در حال شکل‌گیری است، تأثیری به‌شدت مسموم‌کننده بر افکار عمومی در آن سوی اقیانوس اطلس گذاشته است. اغراق نیست اگر بگوییم نسل‌کشی در غزه، جنگ شکست‌خورده با ایران و خودداری اسرائیل از عقب‌نشینی از سوریه، جنوب لبنان و غزه، یک نسل کامل از حمایت از اسرائیل در آمریکا را از میان برده است». اعداد به‌خوبی این ادعا را ثابت می‌کند: «بر اساس یافته‌های مرکز پژوهشی پیو، در هر ۲ حزب جمهوری‌خواه و دموکرات، اکثریت افراد زیر ۵۰ سال دیدگاهی منفی نسبت به اسرائیل و نتانیاهو دارند. امروز ۵۷ درصد جمهوری‌خواهان ۱۸ تا ۴۹ ساله نظر نامساعدی درباره اسرائیل دارند؛ رقمی که سال گذشته ۵۰ درصد بود. در مجموع، ۶۰ درصد بزرگسالان آمریکایی دیدگاهی منفی نسبت به اسرائیل دارند؛ این رقم سال گذشته ۵۳ درصد بود. همچنین ۵۹ درصد هیچ اعتمادی به نتانیاهو برای انجام کار در دست در مسائل جهانی ندارند؛ رقمی که سال گذشته ۵۲ درصد بود».

موضوع این است که اثرات نسل‌کشی در غزه چنان عمیق بوده که عملاً مساله فلسطین را از یک قضیه

پاسخ داد. نخست‌وزیر اسرائیل هیچ فرصتی را برای حمله به وی از دست نداد؛ با حمایت از نامزد جمهوری‌خواه، به شکلی زخم‌ت از انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۲ مداخله کرد؛ از امتیاز سخنرانی در نشست ویژه مشترک ۲ مجلس کنگره سوءاستفاده کرد تا به رئیس‌جمهور آمریکا توهین کند و پرسروصداترین کارزار عمومی را برای به شکست کشاندن توافق هسته‌ای با ایران به راه انداخت. جو بایدن، رئیس‌جمهور سابق آمریکا که به طور غریزی یک صهیونیست لیبرال است نیز با همین رفتار روبه‌رو شد. ژنرال آموس گیلاد نوشت «سرنشز بی‌سابقه» بایدن از سوی نتانیاهو، جلوی افراطی از ناسیاسی و شکستی راهبردی در بالاترین سطح بود».

اکنون نیز در حال تماشای این الگوی تکراری در تاریخ رژیم اشغالگر هستیم؛ جایی که به دلیل برتری ایران در میدان، آتش‌بس در همه جبهه‌ها به رژیم تحمیل شده و حالا تل‌آویو عاجز از درک وضعیت جدید است: «آنچه به خصومت اسرائیل با ترامپ دامن می‌زند، شاید در نهایت همان شوک ناشی از یک وضعیت تازه باشد. این شوک از آنجا ناشی می‌شود که یک رئیس‌جمهور آمریکا به اسرائیل می‌گوید جنگ‌افروزی را متوقف کند. همان شوکی که یک مستعمره مهاجرنشین‌هنگامی تجربه می‌کند که درمی‌یابد کنترل خود بر قدرت مادر را از دست داده است.»



آمریکا هم شکل بگیرد. این تصویر متفاوت و احتمالاً از دست دادن حمایت واشنگتن چنان است که بسیاری در آمریکا بر آنند شاید در آخرین دهه‌ای زندگی کنیم که آمریکا حمایت بی‌قید و شرط از صهیونیست‌ها دارد و فشار افکار عمومی علیه رژیم موجب تنفر عمومی از آن شود. پایگاه انگلیسی «میدل ایست آی» (چشم‌خاورمیانه)، در گزارشی به این مساله پرداخت.

به‌لور نویسنده، در رابطه با رژیم صهیونیستی و متحدش آمریکا همواره یک الگوی ثابت وجود داشته و آن هم این است که رژیم، همیشه چون سگی ناسپاس، دست صاحبش را گاز گرفته و اکنون در رابطه با ترامپ هم چنین می‌کند: «هده‌به خداحافظی باراک اوباما، رئیس‌جمهور پیشین آمریکا به اسرائیل، بسته‌های نظامی به ارزش ۳۸ میلیارد پوند، معادل ۵۰ میلیارد دلار، در طول ۱۰ سال بود. این بزرگ‌ترین بسته کمک در تاریخ آمریکا به شمار می‌رفت. نتانیاهو همواره سخاوت اوباما را با ناسپاسی و توهین